



دکتر فرید جواهرزاده

سنجش آثار اقتصادی گردشگری

در سال‌های اخیر و به مدد علم اقتصاد، چگونگی هزینه کردن پول‌های خرج شده بابت گردشگری در مقصد مشخص می‌شود و به همین دلیل نیز هست که از جهانگرد به‌عنوان یک کالای صادراتی یاد می‌کنند. همچنان که ارزهای حاصل از گردشگری در اقتصاد یک کشور به گردش در می‌آید، میزان اثرگذاری آن نیز افزایش یافته و "ضریب تکثیر" درآمدی آن نیز محاسبه می‌شود. به همین ترتیب، اثرات درآمدی حاصل از گردشگری محاسبه و بخشی نیز از طریق مالیات از مشاغل مختلف کسر و به حساب درآمدی دولت واریز می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در آمد سرانه و میزان مسافرت‌های انجام‌شده در یک کشور و تمایل انجام سفر در بین مردم یک کشور، با میزان "محصول ناخالص ملی" همان کشور در ارتباط است. میزان این همبستگی کامل نیست اما از آن‌جا که میل به مسافرت تا اندازه زیادی پدیده فرهنگی و نه اقتصادی محسوب می‌شود، موقعیت و مکان یک کشور و میزان ثروت جامعه میزبان به آن بستگی خواهد داشت.

از آن‌جا که کشورهایی که معمولاً دارای بالاترین GNP (میزان درآمد ملی سرانه) هستند دارای میل بالایی به مسافرت نیز می‌باشند، گردشگری در حکم اقتصاد مولد بوده، در نتیجه شهروندان این کشورها علاوه بر انجام مسافرت‌های گوناگون، دارای بیشترین درآمدهای اقتصادی و بالاترین میزان امید به زندگی نیز هستند. این مهم خود، یکی از آثار غیرمستقیم گردشگری به حساب می‌آید که نمی‌توان به‌راحتی به رقم مشخصی در مورد درآمدهای حاصل از آن دست یافت.

بر همین اساس، همواره الگویی برای سنجش آثار اقتصادی گردشگری مورد توجه بوده است که بتواند با بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم گردشگری، تحلیل جامعی بر درآمدهای آن داشته باشد.

در عین حال، تجزیه و تحلیل گردشگری تا اندازه زیادی به میزان اطمینان‌پذیری اعتبار اعداد و ارقام ارائه شده - به‌ویژه آمار - بستگی دارد و به‌طور کلی این تحلیل‌ها، چه از سوی بخش دولتی و یا خصوصی ارائه شوند، در مجموع متغیرهایی خواهند بود که احتمال بروز خطا در آن‌ها وجود دارد.

آمار و ارقام گردشگری معمولاً به‌صورت تعداد ورود و خروج گردشگران و چگونگی اقامت آن‌ها محاسبه می‌شود. به‌طور مشخص، تعداد ورودی مسافران بین‌المللی و پذیرایی از آن‌ها، به‌صورت جداگانه و منفک از تعداد ورود و خروج مسافران داخلی یک کشور (مسافرت‌های داخلی) در نظر گرفته می‌شود.

در این راستا، داده‌های اقتصادی قابل ملاحظه‌ای از سوی سازمان‌های متولی گردآوری می‌شوند که در اختیار این سازمان‌ها باقی می‌ماند و معمولاً نشر آن‌ها با سطوح دقت متفاوتی صورت می‌گیرد. به همین دلیل، بسیاری از مطالعات اقتصادی کلان یا نتایج تحلیل‌های اقتصادی انجام شده از دقت کافی برخوردار نبوده و چنین است که بخش قابل توجهی از ایرادات و انتقادات مطرح شده در حوزه اقتصاد گردشگری به مبانی آماری آن باز می‌گردد و در نتیجه نتایج و تحلیل‌های آن را مغایر با هم نشان می‌دهد!

یکی از حوزه‌های وسیع گردشگری، اقتصاد گردشگری است که مفهومی فراگیر و گسترده دارد و قلمرو آن همواره دستخوش تغییر و دگرگونی است. این حوزه میزان مسافرت‌ها و تبعات و اثرات اقتصادی آن‌ها را اعم از مستقیم، غیرمستقیم و القایی را مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهد و بر همین اساس است که اطلاعات و آمار، ضمن ایفاکردن نقش اساسی در بهینه‌سازی الگوهای اقتصاد گردشگری، در برآوردهای کلی آن، محور ارجاعات و محاسبات محسوب می‌شود.

از آن‌جا که صنعت گردشگری علاوه بر جنبه‌های مختلف اقتصادی دارای ابعاد دیگری است که به روابط جوامع بشری، قبل و پس از سفر نیز می‌پردازد، بنابراین می‌توان درحین بررسی مفاهیم اقتصادی گردشگری به جنبه‌های جامعه‌شناختی، علوم اجتماعی و پیامدهای سیاسی و فرهنگی آن نیز اشاره کرد.

پرمسلم است که هر یک از مفاهیم فوق در برآوردهای اقتصادی این حوزه نیز تأثیر شگرف و بسزایی می‌گذارند و به همین دلیل، صاحب‌نظران و اهل فن، گردشگری را نوعی فعالیت اقتصادی پر دامنه می‌نامند که شامل میلیون‌ها بنگاه اقتصادی فعال است و بخش اعظم آن را بنگاه‌های کوچک و خرد تشکیل می‌دهند. در این دایره، شرکت‌های هواپیمایی، خطوط کشتیرانی، قطارهای مسافری و گروه هتل‌های زنجیره‌ای را بنگاه‌های عرضه‌کنندگان جزء صنعت گردشگری نامیده و هزاران دفتر خدماتی مسافرتی، هتل، متل و اقامتگاه‌های پراکنده در اقصی‌نقاط جهان را بخش جلودار و صدر نشین این صنعت تلقی می‌نمایند.

اگر به‌طور کلی صنعت گردشگری را فعالیتی مبتنی بر انجام تفریح، زیارت، تجارت و ... بدانیم، در می‌یابیم که اقتصاد گردشگری علاوه بر بررسی زمینه‌های مستقیم این فرآیند، به چگونگی ارائه و استفاده از کلیه خدمات و کالاهایی می‌پردازد که گردشگران از آن‌ها سود برده و حتی آن‌ها را برای فراهم آوردن امکان سفر نیز مورد توجه قرار می‌دهند.

بنابراین، سهم اقتصاد گردشگری از این آوردگاه از هزاران میلیارد دلار نیز تجاوز می‌کند که خود، مؤید و گویای عظمت و اهمیت آن است.

در این میان نیز، دولت‌ها علاوه بر کسب درآمد از روش‌های مختلف به‌ویژه با وضع مالیات و عوارض، به‌طور معمول ظرفیت بالقوه درآمدهای حاصل از گردشگری را مد نظر قرار می‌دهند و اقتصاددانان نیز ضمن بررسی الگوهای اقتصادی و تحلیل فرآیند هزینه - سود، از آن به‌عنوان ابزاری برای پیش‌بینی آثار اقتصادی گردشگری در مناطق مختلف استفاده کرده و بر این اساس، میزان تأثیرات گردشگری را بر اقتصاد کشور خود ارزیابی می‌کنند و در این راه به کمک دولت‌ها می‌آیند.

امروزه کشورهای توسعه‌یافته که انکای اقتصادی آن‌ها بر گردشگری است، جهانگردی را همچون نهادی در نظر می‌گیرند که میلیون‌ها کنش در آن صورت می‌گیرد؛ نهادی که ضمن برخورداری از دانش و اطلاعات انباشته شده، به یکی از مؤلفه‌های مهم تجارت بین‌المللی تبدیل شده است.